

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قلم

استاد ضرابی دی لغایت اسفند ۱۴۰۰

جلسه سوم ۱۴۰۱/۱/۱۷

آیات شریفه: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (۱) مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲) وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴) فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵) بَأْيَكُمْ الْمَفْتُونُ (۶) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷) - نون سوگند به قلم و آنچه می نویسند (۱) [که] تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی (۲) و بی گمان تو را پاداشی بی منت خواهد بود (۳) و راستی که تو را خویی والاست (۴) به زودی خواهی دید و خواهند دید (۵) [که] کدام یک از شما دستخوش جنونید (۶) پروردگارت خود بهتر می داند چه کسی از راه او منحرف شده و [هم] او به راه یافتگان داناتر است (۷)»

عنوان: حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است!

« ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ »: براساس متون روایات، سرنوشت انسان و جهان و هر حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد ، در عالم خلقت یا همان تکوین، با قلم تقدیر رقم زده شده است از تولد و مرگ اشخاص تا پیدایش و زوال تمدنها در مورد انسان و جهان، طبق آیات و روایات موجود، تمام پدیده‌های هستی از کوچک و بزرگ در دو کتاب (لوح) ، لوح تکوین و لوح محو و اثبات نوشته می‌شود. آنچه در کتاب تکوین ثبت شده قابل تغییر نیست و دگرگونی در آن راه ندارد. ولی آنچه در لوح محو و اثبات نوشته شده قابل تغییر و تبدیل است. در قرآن کریم از لوح تکوین با نامهای مختلفی چون «ام الكتاب» ، «کتاب مسطور» ، «رق منشور» ، «کتاب مکنون» و «کتاب حفیظ» یاد شده است.

بر عمل تکیه مکن زانکه در آن روز ازل تو چه دانی قلم صنع برایت چه نوشت

« ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ » خداوند در عالم تکوین دو کتاب دارد: یکی کتابی است که هرگاه بخواهد، چیزی را که در آن ثبت شده می‌زداید و یا چیزی را که در آن نیست ثبت می‌کند، یعنی مربوط به تغییراتی است که در قضا و قدر الهی حاصل می‌شود (قضای الهی نسبت به قدر تقدیرات او، تغییر ناپذیر است اما نسبت به بداء در اراده الهی، دست خداوند را نمی‌بندد؛ « وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ - مائده ۶۴ ») و دیگری کتابی است که ریشه‌ی تمام پدیده‌های عالم است و نوشته‌های آن قابل تغییر نیست. بدون شک تعبیر لوح و قلم از باب تنزیل (صورت تنزل یافته) است و نباید آن را با قلم و کاغذ و کتاب معمولی مقایسه کرد، بلکه حقیقت والایی مانند عرش و کرسی است.

از روایات این‌طور فهمیده می‌شود که قلم از حقایق عالم عقل می‌باشد که در سلسله طولی هستی، نسبت به حقایق پایین‌تر از خود، جنبه فاعلی دارد و واسطه فیض است و لوح نیز جنبه قابلی داشته، حقایق را از عالم عقل دریافت می‌کند؛ مانند تأثیر نطفه در رحم مادر شکل ظاهری کتابت نون (ن) که نقطه در اوج و شعاع آن دامنه را در بر گرفته است با « والقلم و ما یسطرون » توضیح داده شده، همین دلالت را دارد که نقطه نون مانند شعاعی از نور کرسی دامنه نون را مانند ظرفی پر می‌سازد یعنی به نوعی آنچه از قلم دریافت کرده به عرصه ظهور می‌رساند. قبلاً گفته شد ذکوریت و انوئیت که ریشه در عالم بالا دارد در همه مراتب پایین‌تر وجود از ظهورات گوناگونی برخوردار است.

هزاران نقش بر لوح عدم زد

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد

همان‌طور که مشاهده می‌کنید آیه بعد « مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ » که آیه قبل از خود را توضیح می‌دهد، بر حقیقتی عظیم با کلمه « أَنْتَ » (حقیقه انسان) به وجود مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله) صراحت دارد که به لطف و نعمت پروردگار جوهره عقل شمرده می‌شود و شایسته نیست در آن تردید شده و به جنون نسبت داده شود.

به همین ترتیب تعبیر اجر غیر ممنون (نامنتها) در آیه شریفه « وَ إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ » به جهان باقی و مقام و حقیقت اخروی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) اشاره دارد که موهبت نامنتهای وجود او در تعبیر « بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ » (در زیارت جامعه)، به این معناست که عظمت وجود او ختم و بدو دایره وجود را شامل می‌شود

و دیگر اینکه مظهر تمام نمای خلق الهی در تعامل با عالمیان است؛ « وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ». در حقیقت خداوند خلق عظیم خود را می‌ستاید که در آئینه وجود بهترین بندگانش به ظهور رسانیده است؛ از آنجایی که این حقایق آن طور که هست با ظرفیت‌های عالم ماده و طبیعت قابل آشکار شدن نیست، می‌فرماید « فَسَنُبَصِّرُ وَ يُبَصِّرُونَ » و به‌زودی همه می‌بینند که چه کسی حقایق را شناخته و چه کسی دچار جنون است؛ « بِأَيُّكُمُ الْمَفْتُونُ » اما تا آشکار شدن عرصه قیامت یا عصر ظهور حجت آخرین (عج)، آن چیزی که مایه خشنودی و تکیه‌گاه اهل ایمان است، حضور و اشراف خداوند به همه چیز و مشیت و قضا و قدر اوست ؛ « إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ » پروردگارت به یقین بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و چه کسی از هدایت‌یافتگان است.»

هرچه بینی محض خیر و حکمت است گر تو را زو راحت و گر زحمت است
ز آنکه ناید فعل باطل از حکیم فعل حق باطل نباشد ای سلیم

نکته حائز اهمیت پیام عام و همه شمولی است که در کریمه « ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ » مطرح شده که باید آن را به خوبی دریافت کنیم و آن (یکی از ابعاد آن)، ضرورت خشنودی به قضا و قدر الهی است که دارای آثار و برکات بی‌شماری است؛ مشروط بر اینکه فرد دچار شبهه جبری بودن اعمال انسان نشود؛ از این رو ائمه معصومین علیهم السلام در ضمن اشاره به این معنا پاسخ شبهه جبر را هم مطرح می‌کنند: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند « الرُّوحُ وَ الرَّاحَةُ فِي الرِّضَا وَ الْيَقِينِ - نشاط و راحتی، در خشنودی به تقدیر الهی و یقین است » (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۹) و نیز فرمودند: « اَرْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا - خشنود باش به آنچه خداوند برای تو روزی کرده تا غنی باشی. » (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۵)

دل چو غنی شد ز فقری چه غم روز رهایی ز اسیری چه غم

و همچنین از ایشان وارد شده است که: « مَنْ رَضِيَ الْقَضَاءَ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ هُوَ مَأْجُورٌ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءَ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ - کسی که به قضا و قدر الهی راضی باشد، قضا و قدر بر او می آید در حالی که اجر و پاداش دارد و اگر کسی از قضای الهی ناخشنود باشد، باز قضای الهی بر او می آید و خداوند اجر و پاداش او را نابود می گرداند. » (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۴۸)

حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است از بهر معیشت مکن اندیشه باطل

در عین حال در کتاب توحید و عیون شیخ صدوق (ره) ، از حضرت رضا (علیه السلام) روایت شده است که: وقتی در محضرش سخن از « جبریه » به میان آمد، فرمودند: « آیا در این باره، يك اصل به شما نیاموزم که در آن اختلاف نکنید و هیچ کس با شما در آن مخاصمه نکند، مگر آنکه شکستش دهید؟ » ما گفتیم: تا نظر شما چه باشد. فرمود: « خداوند به اکراه عبادت نمی شود و نیز به غلبه معصیت نمی شود و بندگان را در ملك خود به حال خود وانگذاشته و آنچه را که به ایشان تمليك فرموده، خودش هم مالك است و هرچه را که در قدرت آنان قرار داده، خودش هم بر آن قادر است. پس اگر بندگان به بندگی اش گردن نهاندند، خداوند جلو آنها را نمی گیرد و مانعشان نمی شود؛ و اگر به معصیت خدا دست زدند، اگر خدا خواست، بین آنها و معصیت حائل می گردد و اگر حائل نشود، آنها کار را خواهند کرد؛ ولی خدا آنها را داخل آن کار نکرده است. » بعد فرمود: « هر کس حدود این سخن را ضبط کند، بر مخالفان چیره خواهد شد. » (توحید: ۳۸۲، باب القضاء و القدر، ح ۲۸)

این سخن باید به خط زر نوشت	گر رود سر برنگردد سرنوشت
سرنوشت ما بدست خود نوشت	خوش نویس است او نخواهد بد نوشت

ضرورت خشنودی به قضا و قدر الهی در حدی است که آیات فراوانی در قرآن کریم درباره آن نازل شده است؛ علامه مجلسی در بحار (ج ۸۳ ص ۳۳۷)، دعایی را از امیرالمومنین نقل می کند مشتمل بر هفت آیه که هر صبح برای حفظ از هر بدی خوانده می شوند: « ۱ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ - بگو هرگز جز آنچه خدا برای ما خواسته به ما نخواهد رسید، اوست مولای ما، و البته اهل ایمان در هر حال باید بر خدا توکل کرد. » (توبه / ۵۱)

« ۲ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - و اگر خدا بر تو ضرری

خواهد هیچکس جز او دفع آن ضرر نتواند، و اگر خیر و رحمتی خواهد باز احدی منع فضل او نتواند، که فضل و رحمت خود را به هر کس از بندگان بخواند البته می‌رساند و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان» (یونس/ ۱۰۷) «۳ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ - و هیچ جنبنده در زمین نیست جز آنکه روزی اش بر عهده خداست و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه او را می‌داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است» (هود/ ۶) «۴ وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - و چه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند، این خداست که به آنها و هم به شما روزی می‌رساند، و او شنوای (دعای محتاجان) و دانا (به احوال بندگان) است» (عنکبوت/ ۶۰) «۵ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - دری که خدا از رحمت به روی مردم بگشاید هیچ کس نتواند بست و آن در که او ببندد هیچ کس جز او نتواند گشود، و اوست خدای بی‌همتای با حکمت و اقتدار» (فاطر/ ۲) «۶ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ - و اگر از این مشرکان بپرسی که زمین و آسمان‌ها را که آفریده است؟ البته جواب دهند: خدا آفریده. پس به آنها بگو: چه تصور می‌کنید، آیا همه بتهایی که جز خدا می‌خوانید اگر خدا بخواند مرا رنجی رسد آن بتان می‌توانند آن را رفع کنند؟ یا اگر خدا بخواند مرا به رحمتی رساند بتان می‌توانند آن رحمت را از من باز دارند؟ بگو: خدا مرا کافی است، که متوکلان عالم بر او توکل می‌کنند» (زمر آیه ۳۸)

سپس در دنباله این آیات خوانده می‌شود: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه/ ۱۲۹)

وَأَمْتَنِعْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَسْتَشْفِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ أَعُوذُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. «

بهر دعوی الستیم و بلی
قول و فعل ما شهود است و بیان

ما در این دهلیز قاضی قضا
چون بلی گفتیم آن را ز امتحان

وصلی الله علی محمد و آل محمد